



۸ مارس روز آزادیخواهی، روز برابری طلبی  
علیه آپارتاید جنسی، علیه مهاب  
مرکز بر جمهوری اسلامی

روز جهانی زن روز  
آگاهی جامعه به  
ابعاد ستم بر زن  
روز اعتراض به  
جمهوری اسلامی  
این سمبل زن ستیزی

www.hekmatist.com  
صفحه ۴

جمعه ها منتشر میشود

۱۳۲

کمیونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of  
Iran

۲۰ بهمن ۱۳۸۵ - ۹ فوریه ۲۰۰۷

سر دبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

## هشدار!

### شرکت در ماجراجویی نظامی آمریکا جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت است

دولت آمریکا تلاش دارد تا نیروهای ایوزیسیون ایران را به همکاری در ماجراجویی نظامی خود در ایران بکشاند. نمایندگان پنتاگون و دستگاه های جاسوسی آمریکا ارتباط خود با نیروهای ایوزیسیون، بویژه نیروهایی که در عراق حضور دارند را وسعت داده اند، پول و امکانات نظامی و تدارکاتی را به سمت آنها سراریز کرده اند. حتی واحد های مشترک شناسایی و عملیاتی را با آنها تشکیل داده اند. متأسفانه تعدادی از این نیروها، از جمله سازمان مجاهدین خلق و سازمان زحمتکشان شروع به همکاری با دولت آمریکا در این رابطه کرده اند.

همانطور که هیچ بهانه و هیچ توجیهی نمیتواند سازش و مماشات با جمهوری اسلامی و جناح های رنگارنگ آن را موجه کند. هیچ بهانه، هیچ توجیه و هیچ فرصت طلبی و استیصال سیاسی نمیتواند همکاری با ماجراجویی دولت آمریکا را موجه کند. ماجراجویی نظامی جدید جرج بوش ادامه سیاست ضربه پیشگیرانه و گسترش فاجعه عراق است. سیاست آمریکا مطلقاً ربطی به خواست مردم ایران برای دست یابی به آزادی و برابری ندارد. این سیاست تدارک عراقیزه کردن جامعه ایران و به تباهی کشاندن مردم ایران برای نسل های بسیار است. هر تیر و هر موشک و بمبی که آمریکا و متحدین آن به ایران شلیک کنند مستقیماً بر عمر جمهوری اسلامی و بر محنت تباهی مردم ایران خواهد افزود. نظم نوین جهانی دولت آمریکا همان آزادی و سعادت را برای مردم ایران به لرمغان خواهد آورد که برای مردم عراق آورده است. فاجعه ای که در عراق روی میدهد در مقایسه با فاجعه ای که دولت آمریکا برای مردم ایران تدارک مبیند یک بازی کودکانه است و باید در مقابل آن ایستاد.

قدرتی که میتواند و باید جمهوری اسلامی را سرنگون کند و بنیاد های جامعه ایران را از دست درازی نیروهای قومی، مذهبی و گنگستر های سیاسی ملی و بین المللی مصون دارد قدرت متشکل مردم ایران برای تضمین خواست های منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است.

همکاری با دولت آمریکا شرکت در جنایت علیه بشریت و جنایت علیه مردم ایران است. همکاری با این ماجراجویی آمریکا شرکت مستقیم در تحقق سناریو سیاه و فرو بردن جامعه ایران و مردم منطقه به عظیم ترین سیاه چال اجتماعی و مدنی است و بی گمان مردم ایران با همکاران آمریکا همانند همکاران جمهوری اسلامی رفتار خواهند کرد. حزب حکمتیست همه نیروهای سیاسی را به محکوم کردن این همکاری ها و فاصله گرفتن علنی از این سیاست ها و مجریان آن فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
۱۹ بهمن ۱۳۸۵ - ۸ فوریه ۲۰۰۷

حزب سیاسی، رهبران توده ای، انقلاب  
تفرقه میان کارگران نفت و معلمان

صفحه ۲  
صفحه ۳

سرنوشت مردم ایران  
و بازی قمار بوش!



خالد حاج محمدی  
khalidhaji@yahoo.com

فلس عملا از جانب دولت آمریکا اشغال است و جنگ تبلیغاتی و تهدیدها و جنگ روانی، علیرغم ادعای دولت آمریکا که قصد حمله به ایران را ندارد، به شدت ادامه دارد. علیرغم موقعیت وخیم دولت بوش در خود آمریکا و علیرغم عیان بودن شکست سیاستهای دول غربی در عراق و لبنان و کل منطقه، بوش و سیاستهایش مورد حمایت کامل دولت اسرائیل قرار دارد. همین مسئله و تلاش برای جبران موقعیت دولت بوش نگرانی از وقوع جنگی دیگر را فزونی داده است. مسئله این است که دولت بوش برای جبران شکست خود ممکن است از طریق اسرائیل و یا به هر بهانه ای دست به ماجراجویی بزند و کل منطقه را با فاجعه ای غیر قابل جبران روبرو کند.

بقیه در صفحه ۳

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم بعد از  
ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد)  
پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸  
parto.tv@gmail.com

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



koorosh.modarresi@gmail.com

## حزب سیاسی، رهبران توده ای، انقلاب

بخش دوم از پاسخ به سوالات در گفت و شنود  
استکھلم دسامبر ۲۰۰۵

### کوروش مدرسی

همیشه کرده است این است که فکر میکند مردم دنبال سازمان میروند. مردم از سر رهبران توده ای جنب احزاب میشوند. رهبرانی که در دنیای بیرون، و نه در تحلیل من و شما یا روی اینترنت، رهبر مردم هستند. رهبری اجتماعی و توده ای تحلیل بر نمیدارد یک پییده ایزکنیو است. من رهبر توده ای نیستم چنین ادعایی هم نمیکنم. رهبر سازمان خودمان هستم ولی کسانی مانند عبدالله دارابی یا صدیق کمانگر رهبر توده ای هستند. تعداد نسبتاً زیادی در میان ما هستند که مردم در ابعاد

\*در مورد سوالی که در باره کومه له شد و اینکه ما کومه له را جا گذاشتیم بحث زیاد شده است اما اینجا به یک نکته اشاره میکنم باید به پرسش کومه له چیست؟ کومه له اردوگاه در خاک عراق است؟

نه! کومه له کوچ مردم مریوان است. کسانی مردم یک شهر را کوچ دادند. کسانی که این کوچ را دادند نه در کومه له فعلی هستند و نه در سازمان زحمتکشان آقای مهدی و نه در حزب حمید تقوایی. در حزب ما هستند. اینجا هستند.

کومه له یعنی مقاومت بیست و هشت روزه توده ای مردم سنندج در مقابل جمهوری اسلامی. آنهایی که این کار را کردند اکثر آنها در کومه له فعلی هستند، نه در زحمتکشان و نه در حزب کمونیت کارگری و نه در حزب دمکرات. اینجا هستند. کومه له یعنی دفاع از شرافت انسانی در مقابل مذهب و نفوذ مذهبی. کسانی که این کار را کردند اینجا هستند. کومه له یعنی دفاع از کمونیسیم و آزادی در مقابل حزب دمکرات. کسانی که این کار را کردند و به آن افتخار میکنند اینجا هستند. کومه له یعنی دفاع از حق زن در یک جامعه و در یک سنت تماماً مرد سالارانه. کسانی که این کار را کردند اینجا هستند. کومه له یعنی اسناد کنگره چهار و پنج و شش آن نویسندگان این اسناد، آنهایی که زنده هستند، اینجا هستند.

میخواهم بگویم کومه له بت نیست. ممکن است امروز برای عامه این تمایز تماماً روشن نباشد. اما باور کنید با به میدان آمدن پیشتر مردم علیه جمهوری اسلامی مردم رهبران شان را بیشتر از همیشه باز خواهند شناخت. مردم دنبال کومه له رفتند چون دنبال رهبران شان که در کومه له بودند میرفتند. کومه له به اعتبار حضور رهبران مردم در آن و به اعتبار رهبران یک خط فکری و سیاسی کمونیتی رهبر مردم شد نه به ضرب خون پرستی و یا ضجه موره آقای رزازی. این اشتباهی است که چپ سنتی

قدرت آرمان آزادی و برابری و انسانیت است. این سرمایه همه کمونیت ها و همه آزادیخواهان است. چرا؟ حساب دو دو تا چهار تا و ساده است. در شرایط امروز اگر قیام بشود و یا اوضاع ایران به هم بخورد نه ما و نه هیچیک از نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه نمیتوانند تضمین کنند که رهبری و یا پرچم در تهران یا اصفهان و شیراز بدست کیست. همه ما تلاشمان را میکنیم که ما این رهبران و این پرچم را تامین کنیم. اما تا تضمین این امر فاصله زیادی هست. اما ما میتوانیم تضمین کنیم که در سنندج و مریوان و بسیاری از شهرهای اصلی کردستان ایران کمونیت ها رهبر بشوند و بر پرچم مردم شعار آزادی و برابری حک شود. کسی هست از دیدن این واقعیت به هیجان نیاید؟

یک پای دعوی ما با کل چپ سنتی این است که سیاست و

کارگر به پا نمی خیزد؟ واقعیت این است هنرپیشگان سیاسی انقلاب را سازمان نمیدهند. تلویزیون انقلاب نمیکند. رهبران سیاسی مردم انقلاب را سازمان میدهند و حزبی که این رهبران و بخش مهم طبقه کارگر و توده زحمتکش را زیر یک سیاست روشن و در یک سازمان رزمنده محکم متحد و سازمان یافته میکند این امکان را به واقعیت تبدیل میکند. این یکی از موضوعاتی بود نتوانستیم آن را به مغز رهبری جدید حزب کمونیت کارگری فرو کنیم. برایشان تلویزیون "کلید انقلاب"

**کل خاصیت دخالتگری انسان این است که میتواند امکان را تشخیص دهد و امکان را متحقق کند. این کل هنجاری است که تغییر دنیا برای انسان به وجود می آورد. پیروزی یا شکست بیش از هر چیز به ما بستگی دارد.**

فکر و ایده وقتی با واقعیت اجتماعی گره خورد قدرت میشود. باید با اتفاقات اجتماعی گره خورد و باید با آرزو ها و خواست هایی در ابعاد اجتماعی تداعی شد. باید در ابعاد اجتماعی سازمان داد و متحد کرد و منشا اثر شد. در غیر این صورت فقط با تهییج و مقالات خوب کسی تاثیری در دنیای بیرون نمیزداند و بیاد هم نخواهد ماند. مردم مصدق یادشان نمیرود چون مصدق به یک تاریخ گره خورده است. مردم قاضی محمد یادشان نمیرود چون قاضی محمد به یک آرزو یا رویا گره خورده است. مردم عبدالله دارابی ها و صدیق کمانگر ها را فراموش نمیکند چون برای این مردم در تجربه اجتماعی آنها و در ابعاد توده ای به یک تاریخ، به دفاع از زحمتکشان و به قاطعیت در مقابل جمهوری اسلامی گره خورده اند.

اگر ده سال دیگر بگذرد و ما منشا هیچ تحول اجتماعی نباشیم، بچه ده ساله امروز بیست ساله میشود و نه ما و نه منصور حکمت را بیاد نخواهد داشت. تبدیل به انجمن اختاپوس خواهیم شد. اگر شانس بیاریم کتاب های مان را کنل کتب های احسان طبری و دیوید یاقه میفروشند. تازه اگر شانس

بود و هنرپیشگان سیاسی در مقابل دوربین تلویزیون مهمتر از رهبران اجتماعی. اینها فکر میکنند خاصیت کاسترو این است که مثلاً ۱۲ ساعت میتواند یک نفس سخنرانی کند! بنابراین تمرین سخنرانی، البته در پالتاک، را با سازماندهی انقلاب عوضی گرفته اند. خراب کردند. \*به دلایل متعددی که بخشی از آنها در کنترل ما نبود، به دلایل تاریخی و در پرتو اتفاقات پیچ در پیچ ما در یک گوشه مهجور دنیا توانسته ایم تعداد معدودی کمونیت را در همان قامت کمونیتی شان به رهبران توده ای تبدیل کنیم. این را در هیچ جای ایران و در اوضاع فعلی در هیچ جای دنیا نداریم. این گوشه مهجور دنیا کردستان ایران است. منطقه کوچکی که کمونیت ها توانسته اند رهبر مردم شوند. این یعنی قدرت. کمونیتی که در ایران از این قدرت شروع نکند، کمونیتی که یک پایه استراتژی اش را این واقعیت تشکیل ندهد کمونیت نیست. از جامعه و واقعیت جامعه شروع نمیکند از سکت خوش شروع میکند. هپروتی است. در خیالات زندگی میکند.

این قابلیت اجتماعی فقط نقطه قدرت حزب ما نیست. نقطه

بیارویم. بحث کلیدی ما این است که اگر ما هنری داشته باشیم این است که سوسیالیسم را به عنوان یک پییده اجتماعی وارد سیاست ایران بکنیم. این هنری است که ما باید داشته باشیم. کمونیسیم قبل از هر چیز یک حقیقت اجتماعی است نه یک مکتب فکری. با مکتب فکری به هیچ جا نمی رسم. در بهترین حالت یک مکتب میثوسیم قاطی مکتب های دیگر.

آیا حتماً پیروز میشویم؟ ابداً من این یقین را ندارم. پیروزی حتمی نیست. ممکن است اما حتمی نیست. گفتیم به قیامت اعتقاد ندارم، به پیروزی حتمی سوسیالیسم هم اعتقاد ندارم. ولی امکان اش هست.

\*کل خاصیت دخالتگری انسان این است که میتواند امکان را تشخیص دهد و امکان را متحقق کند. این کل هنجاری است که تغییر دنیا برای انسان به وجود می آورد. پیروزی یا شکست بیش از هر چیز به ما بستگی دارد. اگر نتوانیم این کار را انجام بدهیم به سرنوشت همه چپ های دیگر که متلاشی شدند دچار میشویم و باید شروع کنیم خاطرات امان را بنویسیم. تصور من این است که آدم سیاسی که شروع کرد خاطرات اش را نوشتن دیگر تقریباً دارد بازنشست میشود. من میخوام خاطراتم را در دوره سوسیالیسم بنویسم.

### به حزب حکمتیست

### کمک مالی کنید!

### کمکهای مالی خود را

میتوانید به شماره

حساب زیر در

انگلیس واریز کنید.

Name: A. J

Bank: NatWest

Account No:

65041283

Sort Code:

601520

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱ سرنوشت مردم ایران و ...

در صورت شروع چنین جنگی نه تنها ایران بلکه کل خاورمیانه میتواند به آتش کشیده شود. آنچه مسلم است کل امکانات لازم برای چنین جنگی آماده شده است. تلاش برای مهندسی افکار همیشه و این بار هم بخشی از سیاست دولتهای غربی و مشخصاً دولت امریکا میباشد. اما این رنگ مدهاست نزد مردم حلیلی ندارد. بهانه بوش برای نظامی کردن هر روزه منطقه، کمک به "تنبیت" دولت عراق و دخالت جمهوری اسلامی در عراق و مسئله خطر هسته ای ایران است. این استدلال حتی نزد بی خبرترین افراد هم پوچ است و پشتیبانی ارزش ندارد. دولتی که خود یکی از بزرگترین دارندگان و تولیدکنندگان سلاح هسته ای است، دولتی که خود جانپنجرانه ترین جنگها تاریخ را از ویتنام تا گرانادا و نیکاراگوئه و یوگسلاوی و عراق و ... پیش برده است، در چنین موقعیتی نیست که چشم و گوش کسی را با این تبلیغات کور و کر کند. اما کل ماجرا این است که متأسفانه موقعیت مردم و جنبش ضد جنگ نیز در حال در چنین موقعیتی نیست که مانع جدی در مقابل شروع جنگی دیگر در منطقه باشد.

اما آیا این سر نوشت محتوم مردم ایران و منطقه است؟ آیا باید به این امید که جنگی صورت نگیرد، هر روز در انتظار بسر برد؟ آیا باید لحظه شماری کرد تا وقتی که یک دیوانه جنگی در مورد کشتار میلیونها انسان و به آتش کشیدن کل خاورمیانه برای جبران شکستهای خود تصمیم بگیرد؟

مسلم است که از دولت بوش هر جنبایستی ساخته است. کشتار و آوارگی مردم، فقر و مرگ و میر هر روزه، تبدیل جامعه ایران به عراقی به مراتب بدتر و حاکم کردن سپاهترین جنگ و کشتار تاریخ بر سرنوشت هفتاد میلیون انسان، هیچکدام از اینها عامل بلزدارنده برای شروع جنگ نخواهند بود. دولت بوش برای جبران موقعیت وخیم خود آماده است دست به هر ماجراجویی و جنبایستی بزند. شروع جنگ با ایران نه از موضع قدرت بلکه دقیقاً بنادیل موقعیت وخیم دولت بوش و با هدف جبران آن میتواند صورت بگیرد.

عیان است که قربانیان این جنگ مردم ستمدیده ایرانند. شروع جنگ در ایران شیرازه این جامعه را به هم میریزد و استیصال و گرسنگی و مرگ و کشتار چند میلیون کودک و پیر و جوان را میتواند به همراه خود بیاورد.

مردم! این مانیم که قرار است با کشتارمان مندرتین سلاحهای کشتار جمعی را از ما پیش کنند.

در انتظار چنین فاجعه ای نشستن خود فاجعه است. تنها راهی که در مقابل داریم، به میدان آمدن و متحد شدن برای به زیر کشاندن جمهوری اسلامی است. طبقه کارگر و مردم آزادخواه و برابری طلب ایران جز یک راه در مقابل خود نداریم و آن به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و اتحاد حول آزادی و برابری است.

ما بارها هشدار داده ایم که در این جنگ موقعیت جمهوری اسلامی نه تنها بدتر نخواهد شد، بلکه هر موشکی به ایران پرتاب شود به عمر جمهوری اسلامی خواهد افزود. با پرتاب هر موشکی به ایران گله حزب الله را به خیابان بسیج خواهند کرد و هر اعتراضی را با کشتار و زندان و اعدام به بهانه جنگ خارجی سرکوب خواهند کرد. هم اکنون تهدیدها و عربده کشیهای مرکز اطلاعاتشان مبنی بر اینکه لیست دهها جاسوس و همکار امریکارا دارند، شروع شده است. فراد کارگر و کمونیست و زن و جوان معترض و آزادخواه را به دار خواهند زد. نباید گذاشت این اتفاق بیفتد. جنگ بشود یا نه انتظار مجاز نیست و ادامه یک روز بیشتر عمر جمهوری اسلامی اضافه است. نباید گذاشت یک عبیگر جدی نه تنها به ما مردم ایران، بلکه به کل مردم خاورمیانه و جهان در این جنگ تحمیل شود. این جنگ علیه بشریت است و تنها نیروی بازدارنده ما مردم هستیم. ما مردمی که در این جنگ سهمی جز خانمانسوزی، و فلاکت نخواهیم داشت. کارگران نفت، کارگران مراکز بزرگ صنعتی، نسل جوان و زن و مرد آزادخواه ایران نیروی محرکه اصلی مقابله با این فاجعه سهمگین میباشد. این وظیفه سنگین تاریخی بر دوش ماست و اتحاد حول آزادی و برابری برای سرنگونی جمهوری اسلامی تنها و تنها راه ممانعت از چنین سناریوی است که میتواند اتفاق بیفتد.

## تفرقه میان کارگران نفت و معلمان بر سر لایحه خدمات کشوری به ضرر همه کارگران است

محمود قزوینی

دستشان است و خیلی کارها از آنها ساخته است. برای همین انتظار می رود که کارگران نفت فقط به خود فکر نکنند. اگر به سال ۵۷ اشاره میشود. باید ۵۷ کارگران نفت رهبر کارگران و مردم بودند. آنها منافع همه کارگران و جامعه را نگاه میکردند. اقدام کارگران نفت برای مستثنی شدنشان از لایحه خدمات کشوری تفرقه افکنانه نیست، اما انتظار می رود که کارگران نفت به خواست معلمان و دیگر کارگران هم توجه کنند و خواهان شرائتی شوند که نفع همه کارگران در آن باشد و جلوی تفرقه را بگیرند.

کارگران نفت باید تلاش کنند به تشکل واقعی خود دست یابند. راه سر راست و مستقیم آن هم این است که کارگران مراکز کاری مختلف نفت مجمع عمومی های خود را دایر کنند. نمایندگان خود را در مجامع عمومی خود انتخاب کنند و فقط این نمایندگان باشند که اجازه داشته باشند از طرف کارگران با کارفرما و دولت طرف شوند.

انجمن های اسلامی باید به عنوان ارگان سرکوب و جاسوسی رژیم طرد شوند. اینها که با سرکوب تشکلهای واقعی کارگری و با جاسوسی کردن برای فعالین کارگری و سپردن آنها به جوخه های اعدام در محیط نفت حاکم شدند، جایی در میان کارگران ندارند. از انقلاب ۵۷ رهبری مبارزات کارگران را در دست داشتند و بسیاری از مطالبات خود و مردم را با اعتصابشان عملی کردند، انتظار می رود که ضمن طرد انجمن اسلامیه و با انتخاب نمایندگان واقعی خود در مجمع عمومی شان، برای منفعت خود و کل طبقه کارگر و از جمله معلمان به میدان آیند. در این شرایط که اجرای لایحه خدمات کشوری موجب تفرقه و جدائی میان کارگران نفت و معلمان شده است. جا دارد کارگران از هر دو طرف پیشقدم شوند و در نشست ضمن اعلام اتحاد و همبستگی همه کارگران از نفت و معلمان و پرستاران تا نساجی ها و دیگر بخشهای طبقه

عنوان کرده اند. اما متأسفانه در همین بیانه انتظارشان را در تغییر چند ماده در لایحه خدمات کشوری عنوان میکنند و از تصویب آن استقبال میکنند.

کارگران نفت متأسفانه هیچ گونه سخنگو و نماینده ای ندارند. اگر معلمان توانستند کانون صنفی محدودی برای خود دایر کنند، در نفت حتی تشکیل شورای اسلامی هم ممنوع است. حالا در نفت تشکلهای انجمن اسلامی به عنوان ناجی "صنفی" کارگران ظاهر شده اند. تشکلهای انجمن اسلامی که حتی بر اساس اهدافشان، کارشان نه دخالت در مسائل صنفی، بلکه تبلیغ ایدئولوژی نظام و جاسوسی و شکار کارگران پیشرو معترض است، در اینجا به عنوان ناجی صنفی کارگران نفت ظاهر شده است. و این انجمن های اسلامی هستند که دارند اعتراض کارگران نفت به وضعیت زندگیشان و زمه های شکل گیری یک حرکت اعتراضی در مقابل کاهش دستمزدها در اثر اجرای لایحه خدمات کشوری را به آنجا میکشاند، که کارگران نفت در مقابل معلمان قرار گیرند.

اما کارگران نفت باید دست رد به سینه انجمن اسلامیه و جریانات وابسته به حکومت اسلامی بزنند. خواست انحلال انجمن ها و شوراهای اسلامی خواست قدیمی کارگران است و باید اجرا شود.

نه معلمان و نه کارگران نفت باید افزایش و کاهش دستمزد و کلا دستیابی به رفاه و آسایش خود را به تصویب و عدم تصویب و اجرا و عدم اجرای لایحه خدمات کشوری گره بزنند. راه آن دستیابی به تشکل و ایجاد یک صف متحد برای مطالبات اقتصادی و سیاسی کل طبقه کارگر است.

کارگران نفت قدرت دارند و از قدرت خود نیز آگاهند و دولت و مجلس را تهدید میکنند که در صورت مستثنی شدنشان از لایحه، وضعیت بدی در انتظار دولت خواهد بود و به قدرت خودشان در سالهای انقلاب ۵۷ اشاره میکنند. انجمن اسلامی نفت هم مرتب به دولت هشدار میدهد که اگر دولت کارگران نفت را مستثنی نکند، مشکل برای نظام ایجاد میشود. واقعا هم درست است. کارگران نفت قدرتمندند. شاهراگ اقتصاد کشور در



ghazvini.m@gmail.com

لایحه خدمات کشوری روز ۱۸ بهمن به تصویب مجلس اسلامی رسید. سیر طرح و تصویب این لایحه موجب واکنشهای متفاوت و گاه متضاد در میان بخشهای مختلف طبقه کارگر شده است. مثلاً معلمان این لایحه را به نفع خود میدانند و از آن حمایت میکنند و کارگران نفت آن را به ضرر خود و خواهان مستثنی شدن نفت از لایحه مزبور و یا پس گرفتن لایحه هستند. معلمان در حمایت از این لایحه در مقابل مجلس تجمع کردند و از اقدام مجلس برای تصویب لایحه حمایت کردند و کارگران نفت تهدید کردند که در صورت مستثنی نشدن نفت از لایحه خدمات کشوری، در مقابل مجلس تجمع میکنند. معلمان حتی در بیانه شان با مستثنی شدن کارگران نفت از لایحه خدمات کشوری مخالفت کردند و خواهان کاهش دستمزد آنها زیر عنوان برداشتن تبعیض شده اند.

در بازه تأثیرات لایحه خدمات کشوری در زندگی کارگران و مردم زحمتکش باید جداگانه مطلب نوشت. اما از قبل روشن است که این لایحه بیکساز و وسیع، کاهش سطح دستمزد و بدتر شدن وضعیت بیمه و بازنشنگی و... بدنبال دارد.

اما مهمترین پیامد آن در حال حاضر بوجود آمدن تفرقه در میان کارگران نفت از یک طرف و معلمان از طرف دیگر است.

معلمان و کارگران نفت و همه کارگران فعال و پیشرو باید در مقابل بوجود آمدن چنین تفرقه ای بایستند. کارگران و مردم زحمتکش ایران، برای دستیابی به هرگونه حقوق صنفی و سیاسی خود، به صفی متحد احتیاج دارند. جمهوری اسلامی با مجلس و دولت و تمام دست اندرکاران آن عامل فقر و فلاکت و بدبختی است که بر معلمان و همه کارگران و مردم ایران تحمیل شده است. لایحه خدمات کشوری و هماهنگ کردن نظام پرداخت حقوق کارکنان، تأثیر مثبتی در زندگی هیچیک از کارگران و مردم ایران نخواهد گذاشت. این را خود معلمان در بیانه شان در همین تجمع امروزشان در جلوی مجلس

به حکمتیست ها به پیوندید!

### تفرقه میان کارگران ....

کارگر، خواهان افزایش دستمزدی شوند که زندگی همه را بهبود بخشد. فقط با یک صف متحد و متشکل میتوان نه تنها در مقابل دست اندازیهای دولت و سرمایه داران به سطح معیشت کارگران و مردم ایستاد، بلکه با فشار و اعتراض متحدانه میتوان بهبود جدی در زندگی کارگران و مردم ایجاد کرد.

همه کارگران از نفت تا پرستاران و معلمان به یک صف تعلق دارند، صف طبقه کارگر. بخشهای مختلف این طبقه نباید در مقابل هم قرار گیرند. دشمن کارگران نفت و ..... معلمان دولت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است.

بدون این صف متحد، از دست کسی، کاری ساخته نیست.

در این شرائط وظیفه خطیری به دوش فعالین کارگری سوسیالیست و چپ در میان کارگران نفت و معلمان و ... است. ایجاد اتحاد و همبستگی در میان بخشهای مختلف طبقه کارگر، به دوش فعالین سوسیالیست کارگری است. از رهبران کارگری که فقط به منفعت صنف خود توجه میکنند، از سندیکالیست ها و ..، در شرائط بحرانی مانند امروز کار زیادی ساخته نیست و گاهی هم مانند همین نمونه معلمان و نفت، کارگران را در مقابل هم قرار میدهند. رهبران فعالین سوسیالیست باید به سرعت رهبری مبارزات صنفی کارگران را در دست گیرند. فقط در این صورت است که طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی متحد ظاهر میشود و میتواند در عرصه سیاسی و مبارزه با جمهوری اسلامی نقش موثری بازی کند.

#### تماس با حزب

**کوروش مدرسی** **لیدر حزب**

[koorosh.modarresi@gmail.com](mailto:koorosh.modarresi@gmail.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

**خالد حاج محمدی** **معاون لیدر**

[khaledhajji@yahoo.com](mailto:khaledhajji@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

**رحمان حسین زاده** **دبیر کمیته کردستان**

[husienzade\\_r@yahoo.com](mailto:husienzade_r@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

**فاتح شیخ** **رئیس دفتر سیاسی**

[fateh\\_sh@yahoo.com](mailto:fateh_sh@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

**عبدالله دارابی** **فرمانده گارد آزادی**

[darabiabe@gmail.com](mailto:darabiabe@gmail.com)

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

**نسان نودینیان** **دبیر کمیته خارج کشور**

[Nasan\\_nodinian@yahoo.de](mailto:Nasan_nodinian@yahoo.de)

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

**بهرام مدرسی** **دبیر کمیته کل کشور**

[bahram-modarresi@freenet.de](mailto:bahram-modarresi@freenet.de)

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

**جمال کمانگر** **دبیر سازمان جوانان حکمتیست**

[jamalkamangar@yahoo.com](mailto:jamalkamangar@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

**دبیر خانه حزب**

[mail@hekmat.com](mailto:mail@hekmat.com)

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

**رضا کمانگر** **مسئول روابط عمومی حزب**

[r\\_hekmatist@yahoo.com](mailto:r_hekmatist@yahoo.com)

تلفن: ۰۰۵۳۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸



**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

Worker-Communist Party of Iran -  
Hekmatist

## روز جهانی زن روز آگاهی جامعه به ابعاد ستم بر زن،

## روز اعتراض به جمهوری اسلامی این سمبل زن ستیزی است

## گرامی باد هشت مارس، روز جهانی زن

روز جهانی زن، روز اعلام این حقیقت روشن است که زن و مرد با هر رنگ پوستی، در هر سنی، از هر طبقه و متولد هر جغرافیایی، با هر مرام و مذهب و اعتقاداتی، دو موجود آزاد و دو شهروند متساوی حقوق با اختیارات و مسئولیت های برابراند. واقعیت به این روشنی که از آمریکا تا اروپا، از افریقا تا آسیا در سایه تحمیق و فریت مذاهب مختلف و توسط دولتهای حاکم و طبقات دارا، انکار میشود و زن در سراسر جهان در سطوح و ابعاد مختلف، جنس فرودست و قربانی تبعیض جنسی است. هشت مارس روز اعلام مجدد این کیفرخواست جهانی است که زن و مرد آزاد و برابرند. این روز بعلاوه روز پیمان و تعهد مشترک و جهانی برای از پیش پا برداشتن هر مانعی در تحقق این حقیقت روشن در سراسر جهان است.

در ایران با حاکمیت یک رژیم تماما ضد زن و مذهبی، هشت مارس و تلاش برای احقاق حقوق انسانی زنان، بعلاوه خصلت ویژه تری دارد. این خصلت، گره خوردن احقاق حق زن به حیات و پایه های حاکمیت ارتجاع اسلامی است. خصلتی که دو دهه است زنان را در ابعاد میلیونی روبروی جمهوری اسلامی قرار داده است و نتور مبارزه برای حق زن را در تمام طول حاکمیت اسلام، گرم و پرطیش نگاه داشته است. این ویژگی است که به انقلاب آتی ایران زنگ زنه زده است. پیروزی انقلاب زنه در ایران، به زیر کشیدن حکومت ضد زن اسلامی ایران، این خدای زن ستیزی معاصر، دروازه بزرگی به تحقق برابری زن و مرد در سراسر جهان است.

زنان و مردان آزادیخواه، فعالین و دست اندرکاران هشت مارس ایران!

هشت مارس امسال سراسر ایران میتواند متعلق به طرفداران برابری انسانها و مخالفین ستم بر زن باشد. هشت مارس امسال میتواند نورافکنی عظیم بر بنیادهای نابرابری زن مرد در همه ابعاد، در سراسر ایران را روشن کند. این روز میتواند یک روز محکوم کردن مسببین بی حقوقی زن در ایران از امام جمعه ها و آخوندهای مرتجع تا رئیس جمهور و کابینه دولت ارتجاعی ضد زن در ایران باشد. هشت مارس امسال میتوان در سراسر ایران، جبهه جدال انسانی، میدان رهایی انسان از توحش ضد زن و مملو از مبارزین رهایی زن باشد.

باید دست بکار شد! هرکجا، به هر شکل و در هر اندازه ای، اجتماع کرد. در مورد حق زن، در مورد ابعاد عظیم ستم بر زن در جامعه و در خانواده و در مورد ضرورت برابری کامل دو جنس صحبت کرد. باید مردم را آگاه کرد! باید محل کار و زندگی را به کنترل مخالفین آپارتاید جنسی در آورد! باید قوانین و مدافع برابری زن و مرد را زیر پا گذاشت! باید جداسازی و آپارتاید جنسی را افشا و محکوم کرد. امسال هم باید روز جهانی زن، هشت مارس را هر چه باشکوه تر و با شرکت تعداد هر چه بیشتری برگزار کرد. باید این نتور گرم را به آتشی برای نابودی کامل زن ستیزی تبدیل کرد.

نابود باد ستم بر زن

گرامی باد هشت مارس

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۹ بهمن - ۱۳۸۵ (۸ فوریه ۲۰۰۷)

**سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب:**

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

[www.jawax.com](http://www.jawax.com)

[www.marxhekmatsociety.com](http://www.marxhekmatsociety.com)

[www.iran-telegraf.com](http://www.iran-telegraf.com)

[www.oktoberr.org](http://www.oktoberr.org)

[www.hekmat.public-archive.net](http://www.hekmat.public-archive.net)

# نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!